

( 215 )

هوالبهی

ای ورقه موقنه بآیات الله حمد کن خدا را که در ظل سدره منتهی وارد گشتی و از اثمار شجره ایقان مرزوق شدی و در بحر غفران درآمدی و قطع مراحل نمودی تا بساحت اقدس فائز گشتی و بسمع خود نصائح الهیه استماع کردی و روش و سلوک حق دیدی و امواج قلزم عنایت مشاهده نمودی حال بخلوص نیت و جوهر فطرت بر امر الهی ثابت و راسخ باش و بعهد و پیمان ربانی متمسک کتاب عهد بخوان و پیمان وایمان حق را تفکر و تخطر کن این عهد عهد وثیق است و این میثاق میثاق غلیظ در جمیع اعصار و ادوار مظاهر مقدسه چنین عهدی سبقت نیافته و مماثل نداشته این عهدیست که شمس حقیقت الوهیت بذاته از حقائق مقدسه و جواهر وجود و ذرات ممکنات گرفته و حکمش چون روح الهی در هویت ایجاد نافذ و جاری و ساری فسوف تسمعون نغمات هذا العهد و تشمین نفحات هذا الميثاق من الملأ الأعلى و الجبروت الأبهی عند ذلك يرتفع منك الضجيج و تقولین سبحان من اخذ هذا العهد الشدید سبحان من اخذ هذا الميثاق الغلیظ سبحان من عقد هذا اللواء المعقود سبحان من مد هذا الظل الممدود سبحان من اقام هذا الشاهد المشهود (عع)

اشعاریکه از حنجر احتراق در فراق محبوب آفاق انشا نموده بودید در حرم مکررا قرائت شد و جمیع ورقات سرادق عزت بذکر و نعت آن ورقه لسان گشودند (عع)